

فصل چهارم

پیشینه و مفاخر استان گیلان

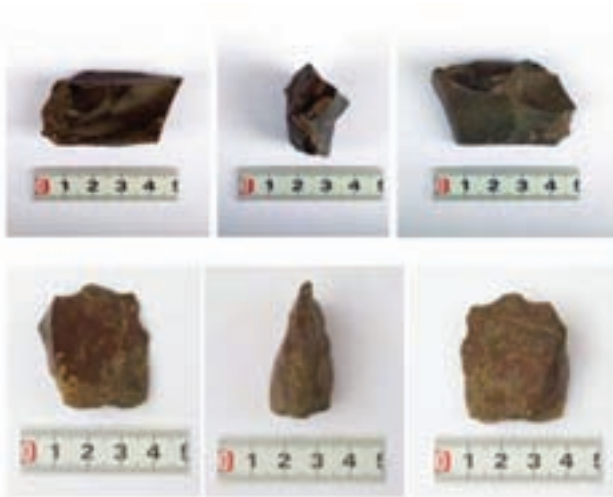




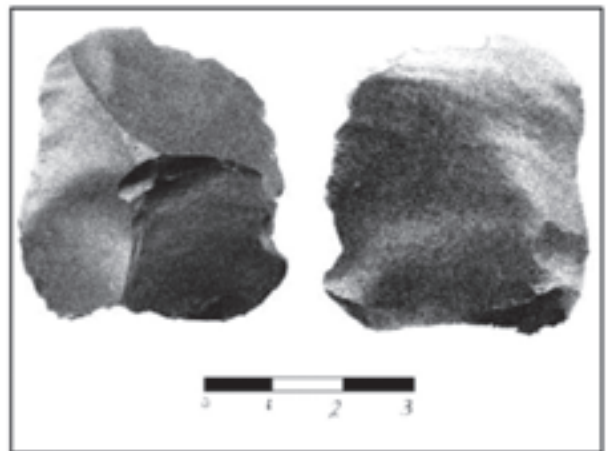
درس دهم از گذشته استان محل سکونت خود چه می‌دانید؟

تو گیلان سبزی و پیر و کهن
که از گیل مردان برانی سخن
در این خطه سبز مینو سرشت
گشودست ایزد دری از بهشت

در کرانه جنوبی دریای خزر در غار «کمر بند» و به ویژه در غار «هوتو» (در بهشهر کنونی) بقایای استخوان انسان‌هایی پیدا شده که باستان‌شناسان قدمت آن را بین یازده هزار تا هفتاد و پنج هزار سال پیش تخمین زده‌اند. آنان احتمال داده‌اند که این استخوان‌ها، مربوط به نیاکان مستقیم انسان‌های ساکن فلات ایران است. در تازه‌ترین تحقیقات باستان‌شناسان به تعدادی از دست‌ابزارهای سنگی مورد استفاده بشر اولیه در غارهای یرشلمان، چپلک و مالپهان در نواحی کوهستانی دیلمان و عمارلو دست یافته‌اند که استقرار انسان در مناطق کوهستانی گیلان را در اواخر عهد پارینه سنگی (بین یازده هزار تا چهل هزار سال پیش) تأیید می‌کند.



شکل ۲-۴- ابزارهای سنگی مکشوفه در غارهای چپلک و مالپهان در عمارلو



شکل ۱-۴- ابزار سنگی مکشوفه در غار یرشلمان در دیلمان

فعالیت ۱۸



- مناطق کوهستانی دیلمان و عمارلو در محدوده کدام یک از شهرستان‌های گیلان واقع‌اند؟
- آیا در محل سکونت خود، غاری تاریخی می‌شناسید؟ اطلاعات خود را در این زمینه به کلاس ارائه کنید.

اقوام و مراکز اولیه تمدن در گیلان

با گذشت چند هزار سال از سکونت انسان در گیلان در عصر سنگ، به تدریج مردمان این ناحیه وارد «عصر فلز» شدند. باستان‌شناسان در حفاری‌های صد سال اخیر به آثار و شواهد قابل اعتنایی از دوره فلز (به‌ویژه عصر آهن) دست یافته‌اند. این آثار و شواهد نشان می‌دهند ساکنان گیلان قبل از استقرار کامل آریایی‌ها در ایران، به حد بالایی از فرهنگ و تمدن دست یافته‌اند.

بیشتر بدانیم



اقوام گیلان

◀ قوم کاس : به نظر بسیاری از پژوهشگران، یکی از قدیمی‌ترین اقوام ساکن در گیلان، قوم «کاس» است. کاس‌ها مرکب از دو تیره کاس سی (کاسی) و کاس بی (کاسپی) بوده‌اند. گستره نفوذ آن، از شمال ایران (سواحل دریای کاسپین) تا صفحات زاگرس و جلگه عراق کنونی را در بر می‌گرفت و بیشتر به کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند.

◀ قوم کادوس : یکی دیگر از اقوام قدیمی ساکن در گیلان «کادوس»ها بودند. پژوهشگران خاستگاه اصلی آن‌ها را نواحی کوهستانی و جلگه‌ای غرب گیلان دانسته‌اند. کادوس‌ها ضمن حفظ استقلال داخلی در کنار سایر اقوام گیلانی با هخامنشی‌ها همکاری داشتند. برخی بر این باورند که «تالش»های کنونی از نسل آن‌ها هستند.

◀ قوم آمارد : قوم دیگری که در گیلان قدیم می‌زیست، «آمارد»ها بودند که احتمالاً از نقطه دیگری به گیلان مهاجرت کرده و برای یافتن پناهگاه امن به کوهستان البرز شمالی آمده و در حاشیه سفیدرود ساکن شده‌اند. برخی پژوهشگران آثار به‌دست آمده در تپه مارلیک را منسوب به آن‌ها می‌دانند.

◀ قوم گیل و دیلم : گیل و دیلم یکی دیگر از اقوام کهن در گیلان محسوب می‌شوند که به نظر برخی از مورخان ریشه نژادی مشترک دارند. قوم گیل و دیلم پس از کوچ اجباری آماردها به وسیله فرهاد اول اشکانی (۱۷۶-۱۷۱ ق.م)، نقش بیشتری در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران از اواخر حکومت اشکانیان برعهده گرفتند؛ به همین دلیل، تا اواخر قرن چهارم هجری به‌خصوص در دوران اقتدار دیلمی‌ها (آل بویه)، بخش اعظم نواحی کوهستانی گیلان و حتی مناطق هم‌جوار به نام آن‌ها، «دیلمان» و به نواحی جلگه‌ای نیز «گیلان» گفته می‌شد. به تدریج، با پایان یافتن دوران اقتدار آل بویه و برخی حکومت‌های محلی منطقه دیلمان، نام و آوازه قوم «گیل» غلبه یافت و سراسر کوهستان و جلگه ساحلی به نام آن‌ها، به «گیلان» شهرت یافت.



فکر کنید و پاسخ دهید

آیا شما می‌توانید نام تعدادی از اشخاص و مکان‌های کنونی در گیلان را که به نحوی با نام اقوام کهن ساکن در گیلان قدیم ارتباط داشته باشند، بگویید؟

مراکز اولیه تمدن در گیلان

● تمدن املش: در املش، اشیای گرانبهایی در حفاری‌ها پیدا شده که مهم‌ترین آن‌ها، «جام» و «تنگ» طلایی املش است؛ از این رو، یکی از باستان‌شناسان برجسته، تمدن ماقبل آریایی ایران را «تمدن املش» نام نهاده و کار صنعتگران آن را هنرمندانه‌تر از کار صنعتگران دیگر تمدن‌ها دانسته است.



شکل ۴-۴- ظرف سفالی املش



شکل ۴-۳- تنگ طلایی املش

● تمدن تالش: نخستین بار، در سال ۱۲۸۰ هـ. ش در تالش گیلان حفاری به صورت علمی و جدید صورت گرفت و آثار زیادی از قبیل ظروف سنگی، مفرغی، سفالین به دست آمد که قدمت آن‌ها به سه هزار و پانصد سال پیش می‌رسد. همچنین، در حفاری

پیشینه و مفاخر استان

سال‌های اخیر در غرب روستای مریان و تول در شهرستان تالش اشیای سیمین، زرین و سفالی زیادی پیدا شده که مهم‌ترین آن‌ها جام طلایی «تول» و «دستبند مفرغی» دارای کتیبه است.



شکل ۴-۶- دستبند مفرغی کتیبه‌دار تول تالش

شکل ۴-۵- جام طلایی تول تالش

● تمدن دیلمان : دیلمان از مناطق باستانی و پرآوازه گیلان است که اشیای فراوان به دست آمده در آن، از قبیل ظروف سفالی، مفرغی، آهنی و شیشه‌ای بیانگر این ادعاست. این اشیا به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد تا دوره اشکانی نسبت داده شده است. آثار قابل توجه این منطقه، ظروف و اشیای زینتی، از جنس شیشه است که بسیار ماهرانه ساخته شده و حکایتگر اوج و تعالی هنر «شیشه‌گری» در گیلان قدیم است.

● تمدن مارلیک : تپه سنگی مارلیک در کنار چهار تپه دیگر در سال ۱۳۴۰ ش. به شیوه علمی مورد کاوش قرار گرفت که آثار زیادی شامل ظروف سفالی، مفرغی و طلایی در آن به دست آمد. معروف‌ترین این آثار «جام مارلیک» با نقش گاو بالدار، درخت زندگی و نقش خورشید است که از طلای خالص و به شکلی بسیار هنرمندانه ساخته شده است. کاوشگر مارلیک معتقد است : «اقوام



شکل ۷-۴- اشیای زینتی از جنس شیشه متعلق به هزارهٔ اول ق.م، مکشوفه در قلعهٔ کوتی دیلمان

مارلیک در دورانی در حدود سه هزار و پانصد سال پیش در ارتفاعات رشته کوه البرز مستقر شده و برای مدتی در حدود پنج قرن به پیشرفت و شکوفا کردن هنر و صنایع خود در این منطقه پرداخته اند.»



شکل ۸-۴- جام مارلیک



شکل ۹-۴- مجسمه گاو کوهاندار ویژه تمدن مارلیک

تحقیق کنید

— هر یک از تمدن‌های آملش، تالش، دیلمان و مارلیک در کنار کدام رودخانه‌ها پدید آمده‌اند؟ چرا؟

گیلان از تشکیل حکومت آریایی ماد تا سقوط ساسانیان (۷۰۸ ق.م — ۶۵۲ م)

با مهاجرت و استقرار اقوام آریایی در ایران، ساکنان گیلان (کاسپی‌ها، کادوس‌ها، آماردها و...) استقلال خود را در برابر تازه‌واردها، حفظ کردند. مادها به عنوان نخستین حکومت آریایی (۷۰۸-۵۵۰ ق.م) هیچگاه نتوانستند ساکنان گیلان زمین را زیر فرمان خود درآورند.

در آغاز پایه‌گذاری حکومت هخامنشیان (۵۵۰ ق.م)، اقوام گیلانی با بنیان‌گذار این سلسله (کوروش دوم) بر ضد دولت ماد متحد شدند و در گشودن هگمتانه پایتخت ماد به وی کمک کردند. علاوه بر این، گیلانی‌ها در سقوط حکومت لیدی (در ترکیه کنونی) و بابل (در عراق کنونی) به دست کوروش به‌طور مستقیم نقش داشتند. این همکاری اقوام گیلانی با پادشاهی هخامنشیان در نبرد خشایار شاه علیه یونانی‌ها (۴۸۰ ق.م) و دفع حمله اسکندر مقدونی به ایران در زمان داریوش سوم (۳۳۱ ق.م) بار دیگر به منصفه ظهور رسید.

در دوره سلوکیان و سپس در دوره اشکانیان (۲۴۸ ق.م — ۲۲۴ م)، ساکنان گیلان همچنان استقلال نسبی خود را حفظ کردند و در مواردی علیه اشکانیان دست به شورش زدند و گاه آن‌ها را در سرکوب دشمنانشان کمک کردند.

در دوره ساسانیان (۶۵۲-۲۲۴ م) ساکنان گیلان (کادوس‌ها، گیل‌ها و دیلمی‌ها) در اداره امور داخلی خود کم و بیش آزاد بودند. اما در نبرد شاهان ساسانی با بیگانگان، همواره به‌عنوان نیروی کمکی به خدمت آن‌ها درآمدند.



گیلان از سقوط ساسانیان تا برآمدن صفویان (۹۰۷-۳۱ ه.ق)

همزمان با هجوم اعراب به ایران، خاندان «گیلان شاهان» به فرمانروایی «گیلِ گیلان شاه» به تدریج بر گیلان و دیلمان، و دیگر نواحی کرانه جنوبی دریای خزر (طبرستان و گرگان) غلبه یافت.

خاندان گیلان شاهان که بیش از یک قرن (۱۴۶-۲۲ ه.ق) بر گیلان، طبرستان و گرگان فرمانروایی داشتند، مرکز حکومتشان را در گیلان و به روایتی در فومن قرار دادند. امیران این خاندان با استفاده از نیروی رزمی سلحشوران دیلمی و گیلی در مقابل نفوذ سپاهیان خلافت اموی و سپس عباسی بر کرانه جنوبی دریای خزر، به شدت از خود پایداری نشان دادند.

گیلانیان پس از برافتادن حکومت گیلان شاهان (دابویگان) ضمن پایداری در مقابل هجوم سپاهیان عباسی، آغوش خویش را به روی مخالفان آنان به ویژه «علویان» گشودند. با شهادت امام رضا (ع) (۲۰۳ ه.ق) در خراسان، مهاجرت سادات علوی به گیلان شتاب بیش تری گرفت. به روایتی، در همین ایام سیدجلال الدین اشرف برادر امام هشتم (ع) به منظور نشر آیین شیعه وارد گیلان شد. در همان جا به شهادت رسید و پیکر مطهر ایشان در روستای «کوچان» در حاشیه سفید رود (آستانه اشرفیه کنونی) به خاک سپرده شد. مهاجرت سادات علوی به گیلان و همگامی آنان با حکام محلی در دشمنی با خلافت عباسی و توجه آنها به طبقات فرودست جامعه و نیز دعوت عملی به اسلام، سبب رواج و گسترش آیین شیعه در میان مردم شد. چند سال بعد، گیلانی‌ها در روی کار آمدن دولت علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵۰ ه.ق) نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

در فاصله برافتادن حکومت گیلان شاهان تا روی کار آمدن حکومت‌های ترک تبار در ایران (غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان)، گیلان به وسیله خاندان‌های حکومتگر دیلمی هم چون «آل جستان»، سالاریان و در مقطعی از این دوره توسط «علویان هوسم» اداره می‌شد. در طول این دوره هم، گیلان کم و بیش استقلال نسبی خود را حفظ کرد.

در سراسر دوران فرمانروایی مغولان، تیموریان و ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو (۹۰۷-۶۵۶ ه.ق)، خودمختاری داخلی گیلان با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت. جغرافی‌نویسان و مورخان، در گزارش خود درباره اوضاع و احوال گیلان در این زمان به اعتبار موقعیت جغرافیایی سفیدرود، گیلان را به دو پهنه شرقی با عنوان «بیه پیش» به مرکزیت لاهیجان، و پهنه غربی با عنوان «بیه پس» به مرکزیت فومن تقسیم می‌کنند. در هر یک از این بخش‌ها، خاندان‌های محلی فرمان می‌راندند.

بیشتر بدانیم



گسکر از شهرهای قدیمی و ابریشم خیز گیلان است که از قرن چهارم هجری قمری تا اواخر دوره صفوی از آبادانی و شکوفایی اقتصادی برخوردار بود اما به تدریج و به دلایل مختلف از رونق اولیه افتاد و خرابه‌های آن در زیر ریشه‌های درختان جنگل هفت دغنان آرمد. به تازگی، کارشناسان میراث فرهنگی گیلان خرابه‌های این شهر تاریخی را - که شامل باروی شهر، حمام‌ها، پل‌ها، معابر و خانه‌های آجری، ظروف سفالی لعابدار منقوش، ظروف چینی،

مهرهای فلزی، سکه و قطعاتی از شیشه بوده - از زیر خاک درآورده اند. به نظر آنها، معماری بسیار پیشرفته این شهر بیانگر رفاه اقتصادی ساکنان آن و نیز یادآور اوج و تعالی هنر و تمدن اسلامی در بخش کوچکی از جلگه سرسبز گیلان غربی است.

گفتنی است مهم‌ترین و قدرتمندترین خاندان‌های حکومتگر در گیلان، «خاندان اسحاق‌وند» در فومن (۹۸۰-۵۵۸ ه.ق) و «خاندان آل کیا» در لاهیجان (۱۰۰۰-۷۷۶ ه.ق) بودند که اغلب به دلیل گسترش قلمرو، کسب قدرت و ثروت بیش‌تر و نیز به سبب اختلافات طایفه‌ای و مذهبی، در حال رقابت و جنگ با یکدیگر بودند. از حوادث مهم این دوره می‌توان به حمله‌ی الجایتو ایلخان مغول به گیلان (۷۰۶ ه.ق) اشاره کرد. خان مغول که از پراکندگی سیاسی گیلان در این زمان آگاه بود، به تحریک برخی از درباریان و با هدف دستیابی به ابریشم مرغوب گیلان و همچنین برای به فراموشی سپردن شکست‌های بی‌دری مغولان در نواحی دیگر، از چند سو به گیلان لشکر کشید. در جریان این لشکرکشی، «قُتلغ شاه» امیرالامرای سپاه مغول (در تولم شهر کنونی) به قتل رسید. اما مغولان با گسیل سپاهیان بیش‌تر به منطقه، مقاومت‌های اهالی فومنات را با دادن تلفات زیاد، درهم شکستند. الجایتو، حکومت امیران محلی گیلان را به شرط پرداخت باج و خراج سالیانه به دربار مغول، به رسمیت شناخت و به پایتخت خود در سلطانیة زنجان بازگشت. با مرگ الجایتو (۷۱۶ ه.ق) حکام گیلان از پرداخت باج و خراج به دربار مغول سر باز زدند و بار دیگر استقلال خود را بازیافتند. در زمان فرمانروایی امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق)، گیلان از حمله‌ی وی در امان ماند و تیمور فقط به دریافت خراج سالیانه از برخی امیران محلی بسنده کرد.

بیشتر بدانیم



نقش گیلانیان در پرورش فکری و سیاسی شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله صفوی

صوفیان صفویه (به خصوص دده بیگ تالش) اسماعیل میرزا را که فقط هشت سال داشت از ترس مأموران آق‌قویونلو که در تعقیب آن‌ها بودند، مخفیانه به گیلان آوردند. کارکیا میرزا علی فرمانروای مقتدر آل کیا در لاهیجان که شیعی مذهب بود، میزبانی اسماعیل نوجوان را برعهده گرفت.

وی مولانا شمس‌الدین لاهیجی را که از عالمان شیعه بود، به آموزش و تربیت دینی اسماعیل گمارد. در مدت اقامت چند ساله اسماعیل در لاهیجان (۹۰۵-۸۹۸ ه.ق)، امیرنجم زرگر رشتی در تربیت سیاسی وی کوشید. اسماعیل پس از رسیدن به سلطنت، امیرنجم رشتی را در سال ۹۱۴ ه.ق به عنوان وکیل (نایب السلطنه) خود برگزید و کلیه امور کشور را به دست او سپرد. این نخستین ایرانی بود که حلقه بسته ترکان قزلباش را در دیوان سالاری صفویان کنار زد و این مقام مهم را عهده‌دار شد.



گیلان از زمان روی کار آمدن صفویان تا فرو افتادن زندیان (۱۲۰۹-۹۰۷ ه.ق.)

با روی کار آمدن صفویان و در پی اجرای سیاست تمرکزگرایی از سوی این دولت، ابتدا روابط امیرنشین آل اسحاق در فومن و سپس امیرنشین آل کیا در لاهیجان با پادشاهان صفوی (شاه اسماعیل و فرزندش شاه تهماسب) رو به وخامت نهاد و سرانجام، در زمان شاه عباس صفوی (۱۰۰۰ ه.ق) برای همیشه به استقلال گیلان و فرمانروایی شهریاران آن پایان داده شد.

تبدیل سرزمین گیلان در زمان شاه عباس یکم به املاک خاصه (املاک مخصوص شاه) موجب شد که اداره این منطقه به حاکمان و کارگزاران دولت صفوی سپرده شود؛ اما به زودی گیلانی‌ها از ظلم و ستم کارگزاران صفوی به ستوه آمدند و قیام‌هایی را علیه آن‌ها صورت دادند که مهم‌ترین آن‌ها، قیام «کار کیا فتحی» در فومن (۱۰۱۰ ه.ق) و «عادلشاه» در لشت نشاء (۱۰۳۸ ه.ق) بود که توسط قزلباشان و حکام وابسته دربار صفوی سرکوب شدند.

در طول دوره حکومت زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه.ق)، گیلان به دست خوانین محلی (حاجی جمال فومنی و فرزندش هدایت‌الله خان) به طور نیمه مستقل اداره می‌شد. با قدرت‌گیری آقا محمدخان قاجار در استرآباد (گرگان امروزی) به این وضع خاتمه داده شد.

گیلان در دوره سلطنت قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ ه.ق.)

از برآمدن قاجارها تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۴-۱۲۱۰ ه.ق) گیلان توسط حکام منصوب دربار قاجار یا نایبان آن‌ها - که اغلب از شاهزادگان و وابستگان دربار بودند - اداره می‌شد.

در انقلاب مشروطه اهالی گیلان به‌ویژه مردم رشت و انزلی از پیشگامان مشروطه‌خواهی بودند و پس از صادر شدن فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه قاجار، گیلانی‌ها با ارسال تلگراف به تهران خواستار صدور «دست خط آزادی و مشروطیت» شدند.

با روی کار آمدن محمد علی شاه و به توپ بسته شدن مجلس، مشروطه‌خواهان گیلانی به تدریج آماده حرکت به سمت تهران شدند و در نهایت همراه با آزادی خواهان اصفهانی و بختیاری تهران را فتح کردند. با این اقدام، محمدعلی شاه مستبد از سلطنت بر کنار و نظام مشروطه دوباره برقرار شد.

با فرارسیدن جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ ه.ش)، روس‌ها قوای نظامی خود را در سطح گسترده وارد گیلان کردند. اشغال گیلان و ظلم و ستم نیروهای اشغالگر روسی، زمینه را برای یک نهضت بزرگ سیاسی - اجتماعی به رهبری میرزا کوچک فراهم کرد. نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک که از حمایت‌های مردمی برخوردار بود، در هفت سال مبارزه مستمر و بی‌امان خود، ضربات سختی بر اشغالگران روسی - انگلیسی و عوامل وابسته به آن‌ها وارد آورد و سرانجام با شهادت میرزا کوچک در ۱۱ آذر ۱۳۰۰، عمر این نهضت پایان یافت.

اندکی پس از خاموشی شعله‌های نهضت جنگل، بار دیگر قیام‌های دهقانی در ضدیت با نظام ارباب و رعیتی و بهره‌های مالکانه، در نقاط مختلف گیلان صورت گرفت البته اغلب این جنبش‌های روستایی توسط رضاخان در مقام وزیر جنگ و نخست‌وزیر و با هدف بالا بردن اعتبار خویش در میان مالکان گیلانی سرکوب شد.

گیلان از روی کار آمدن پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ ه.ش)

در دوره سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش)، مردم گیلان به سبب پیشینه انقلابی و همچنین قرار گرفتن در همسایگی دولت کمونیستی روسیه (شوروی سابق) با مشکلاتی مواجه شدند.

با این که در این دوره به علت اختناق حاکم بر کشور، هرگونه فعالیت سیاسی به شدت سرکوب می شد، در قضیه «کشف حجاب» نیز اقبال مذهبی به ویژه روحانیان در قالب اعلامیه، کتاب و سرودن شعر از خود واکنش نشان دادند. شدیدترین انتقادات به کشف حجاب در گیلان را آیت الله یوسف گیلانی با انتشار کتابی در ذکر محاسن حجاب، بیان کرد که بلافاصله از سوی مأموران رژیم بازداشت و به همراه آیت الله محمد باقر رسولی به ماسوله تبعید شد (۱۳۱۴ ه.ش).

بیشتر بدانیم



گیلان از دوره اشغال در جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲)

به دنبال اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (سوم شهریور ۱۳۲۰) و سقوط سلطنت رضاشاه، گیلان مورد هجوم ارتش سرخ شوروی سابق قرار گرفت. ورود غافلگیرانه سربازان روسی به گیلان، امنیت منطقه را دچار اختلال کرد. روابط نامناسب اربابان منطقه با کشاورزان و تصاحب برخی زمین های مرغوب منطقه توسط عوامل دربار پهلوی، بار دیگر آتش قیام های دهقانی را در گیلان، شعله ور ساخت که زبانه های آن تا پایان حکومت پهلوی کشیده شد.

خروج تدریجی ارتش اشغالگر شوروی از دهم فروردین ۱۳۲۵، سبب شادمانی مردم گیلان شد. با پیرنگ شدن حاکمیت دولت مرکزی، به دلایل مختلف عرصه بر فعالان سیاسی در سطح استان تنگ تر شد. با ترور شاه در نیمه بهمن ۱۳۲۷، بسیاری از اعضای گروه های سیاسی در گیلان دستگیر و زندانی شدند.

به تدریج که زمزمه ملی شدن صنعت نفت در ایران بالا گرفت، در گیلان اقبال مختلف مردم با این حرکت ملی همراه شدند، اما عمر این نهضت کوتاه بود. با پیروزی کودتاچیان در بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲، بسیاری از حامیان نهضت ملی نفت در گیلان، گرفتار عوامل کودتا شدند و بار دیگر میدان فعالیت های سیاسی و آزادی های مدنی در گیلان محدودتر شد.

با آغاز نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) (مهر ۱۳۴۱)، در گیلان نیز دو تن از علمای طراز اول، مرحوم سید محمود ضیابری و سید حسن بحر العلوم، در مخالفت با اصول شش گانه شاه در مسجد کاسه فروشان رشت سخنرانی کردند و تلگرافی در تأیید اقدامات رهبری نهضت به قم ارسال کردند. آنان به اتفاق آیت الله مهدوی لاهیجانی، به قصد پیوستن به علمای مهاجر به سمت تهران حرکت کردند اما در میانه راه دستگیر و به زندان قزل قلعه در تهران انتقال یافتند.



با تبعید امام خمینی به ترکیه و سرکوب‌های پس از سال ۱۳۴۳، مبارزات سیاسی در گیلان نیز شکلی مخفیانه به خود گرفت. روحانیت مبارز استان از جمله حجة الاسلام صادق احسان‌بخش فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را با پخش اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی رهبری نهضت در میان مردم پی گرفتند.

با شتاب گرفتن مبارزات ملت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۶، گیلان نیز حال و هوای دیگری یافت. مبارزات روحانیت مبارز و سایر اقشار مردم این استان به تدریج، شکل علنی‌تر به خود گرفت. در مرداد ۱۳۵۷ آیت الله ضیابری که در بستر بیماری بود طی اعلامیه‌ای به سرکوب مردم و خفقان حاکم بر کشور اعتراض کرد.

با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌های ایران در مهر ماه ۱۳۵۷ و هم‌زمان با هجرت امام خمینی به فرانسه، آتش انقلاب در گیلان نیز شعله‌ور شد و در اواسط شهریور همین سال، تظاهرات خیابانی بسیاری از شهرها و بخش‌های گیلان را فرا گرفت.

تظاهرات بر ضد رژیم شاه در اغلب شهرهای استان منجر به درگیری‌های خیابانی مردم با مأموران رژیم شاه شد که در اثر آن، تعدادی از تظاهرکنندگان به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز زخمی شدند. سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، عصر تازه‌ای در تاریخ مردم این مرز و بوم آغاز شد.



شکل ۱۰-۴- تظاهرات مردم بر ضد رژیم شاه (رشت)، سال ۱۳۵۷

فعالیت ۱۹



- با رجوع به کتاب‌های تاریخ محلی، گزارشی در مورد یکی از خاندان‌های حکومت‌کننده گیلانی تهیه کنید.
- در مورد چگونگی نفوذ و گسترش آیین شیعه در گیلان مقاله‌ای بنویسید.

- چرا گیلان را خاستگاه قیام‌های روستایی دانسته‌اند؟ (با نگاهی به مقاله‌ای در مورد یکی از قیام‌های دهقانی در گیلان، به این سؤال پاسخ دهید.)
- از طریق تحقیق میدانی (مصاحبه با برخی مبارزان در رژیم شاه)، در مورد نقش مردم شهرستان محل سکونت خود در پیروزی انقلاب اسلامی مقاله‌ای بنویسید.



درس یازدهم نقش مردم گیلان در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی

کسانی که درباره تاریخ گیلان در دوره‌های مختلف پژوهش کرده‌اند، بر این باورند که اقوام ساکن در این سرزمین، مردمانی شجاع، دلیر و آزاده بوده و هرگز در برابر تجاوز بیگانگان سر تسلیم فرود نیاورده‌اند. بازتاب شهامت و آزادگی مردمان این ناحیه را می‌توان در متون تاریخی، جغرافیایی و ادب پارسی این دوران مورد مطالعه قرار داد. شما در ادامه این درس فقط با گوشه‌هایی از فدکاری‌های مردم گیلان در صیانت از مرزهای ایران اسلامی آشنا خواهید شد.

الف) رشادت و پایداری مردم گیلان در مقابل روس‌ها :

در دوران فرمانروایی آل جستان (در سال ۳۰۰ ه.ق) برای نخستین بار گیلان مورد هجوم روس‌ها قرار گرفت. مردم گیلان دو تهاجم بی در پی روس‌ها را با شکست مواجه ساختند؛ در نتیجه، روس‌ها پس از دادن تلفات بسیار، پا به فرار گذاشتند که شرح آن در کتاب‌های تاریخ «طبرستان ابن اسفندیار» و «مروج الذهب مسعودی» به تفصیل آمده است.

روس‌ها پس از طی چندین قرن در دوره سلطنت شاه‌صفی از پادشاهان صفوی، بار دیگر رشت را مورد هجوم خود قرار دادند (۱۰۴۵ ه.ق) مردم گیلان علیه قوای مهاجم روسی متحد شده و به مقابله برخاستند و این امر موجب خروج قوای روسی از خاک گیلان شد.

با روی کار آمدن نادرشاه افشار و به موجب عهدنامه رشت (۱۱۴۴ ه.ق) روس‌ها توافق کردند که طی دو ماه خاک گیلان را ترک کنند.

در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار، روس‌ها پس از تصرف گرجستان، خاک گیلان را برای چندمین بار به تصرف خود درآوردند. فرماندهی این حملات را ژنرال شفت بر عهده داشت. نیروهای متجاوز روسی با کشتی و از طریق تالاب انزلی خود را به پیربازار رشت رساندند. میرزا موسی منجم باشی، حاکم گیلان، با گروهی از تفنگ‌داران گیلانی در جلوی سپاهیان روسی صف‌آرایی کرد و در جنگ «پيله دار بُن» در پیربازار رشت (۱۲۲۰ ه.ق) تلفات زیادی به آن‌ها وارد ساخت و مهاجمان را به عقب‌نشینی از خاک گیلان وادار کرد.

ب) گیلان در دفاع مقدس :

گیلان در هشت سال دفاع مقدس و همگام با سایر هموطنان در پاسداری از مرزهای ایران اسلامی مشارکت جدی و فعال داشت. در طول جنگ تحمیلی، نیروهای جان بر کف گیلانی از طریق واحدهای بسیج سپاه پاسداران و ستاد مهندسی جنگ جهادسازندگی استان، به جبهه جنگ علیه دشمن بعثی اعزام شدند. در این جنگ، رزمندگان سلحشور گیلانی در چندین عملیات منظم در قالب لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۱۶ قدس گیلان به طور مستقیم نقش بارزی ایفا کردند.

همچنین، در طی این جنگ، ده‌ها میلیارد ریال کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم گیلان با مساعی شهید آیت‌الله احسان‌بخش و مسئولان وقت ستاد پشتیبانی جنگ، به تدریج جمع‌آوری شد و در قالب کاروان‌هایی کم‌نظیر، در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. البته هشت هزار نفر از رزمندگان جان بر کف گیلانی در جنگ تحمیلی به فیض شهادت رسیدند و بیست و یک هزار نفر از آن‌ها به مقام

جانبازی نائل آمدند و دو هزار و هفتصد نفر مفتخر به مقام آزادگی شدند.

معرفی شخصیت‌های مذهبی، انقلابی، علمی، فرهنگی و سرداران شهید هشت سال دفاع مقدس

بنیان‌های هویت یک ملت را، اسطوره‌ها، قهرمانان، مردان و زنان عرصه فرهنگ، هنر، دانش، جهاد و شهادت می‌سازند. میراث‌های فرهنگی، علمی و دینی در واقع سرمایه‌های معنوی یک جامعه زنده و پویا به‌شمار می‌آیند که به دست نام‌آوران این عرصه به وجود آمده‌اند. شما در ادامه این درس، در بخش «بیشتر بدانیم»، با زندگی برخی از شخصیت‌های مذهبی، انقلابی، علمی، فرهنگی و سرداران شهید هشت سال دفاع مقدس به صورت گذرا آشنا خواهید شد.

بیشتر بدانیم



الف) شخصیت‌های مذهبی و انقلابی

● ملا عبدالعزیز شریعتمدار کرگانرودی: ملا عبدالعزیز پس از رسیدن به درجه اجتهاد به زادگاه خود در لیسار کرگانرود (تالش کنونی) بازگشت. پس از اشغال خاک گیلان توسط قوای روس، ملا عبدالعزیز به حمایت از مردم شهر رشت برخاست. او به جهت دفاع از مردم گیلان و مقابله با ستمگری‌های قوای اشغالگر روسی در روز ۱۳ صفر سال ۱۳۳۰ به همراه سه تن از همزمانش در شهر رشت به دار آویخته و در صحرای ناصریه (جنب بیمارستان پورسینای رشت) به خاک سپرده شد.

● میرزا کوچک جنگلی: یونس مشهور به میرزا کوچک در سال ۱۲۵۹ ش. در محله استاد سرای رشت دیده به جهان گشود. از آنجا که پدرش به میرزا بزرگ معروف بود، او به میرزا کوچک مشهور شد. وی تحصیلات خود را در مدارس جامع رشت و محمودیه تهران بی‌گرفت و هنگام نهضت مشروطه، به آزادی خواهان گیلانی پیوست و در فتح تهران (۱۲۸۷ ش.) نقش قابل توجهی ایفا کرد. در دوران جنگ جهانی اول (۱۲۹۷-۱۲۹۳ ش.) که گیلان در اشغال قوای بیگانه چون روس و انگلیس بود، برای احیای اهداف مشروطه و اخراج بیگانگان، نهضتی را در جنگل‌های گیلان بنیان نهاد که به «نهضت جنگل» موسوم شد. میرزا پس از هفت سال مبارزه بی‌امان با اشغالگران خارجی و عوامل داخلی آن، و با شهادت خود در یازدهم آذر ۱۳۰۰ ش. در ارتفاعات ماسال، به نماد بیگانه‌ستیزی گیلانی‌ها در کشور تبدیل شد.

● حضرت آیت‌الله العظمی محمد تقی بهجت فومنی: محمد تقی بهجت (۱۳۸۸-۱۲۹۴ ش.) در یک خانواده مذهبی در شهر فومن به دنیا آمد و پس از فراگیری علوم مقدماتی حوزوی در زادگاهش، راهی عتبات عالیات شد. حضرت آیت‌الله بهجت پس از مدتی شاگردی در نزد استادان برجسته حوزه علمیه کربلا و نجف و همزمان با اشغال عراق توسط قوای انگلیس در جنگ جهانی دوم، به ایران مراجعت کرد و در حوزه علمیه قم اقامت گزید و به تربیت طلاب علوم دینی تا



پایان عمر اهتمام ورزید. حضرت آیت‌الله بهجت در خرداد ۱۳۸۸ در سن ۹۶ سالگی رحلت کرد. از ایشان آثاری چون یک دوره اصول، حاشیه بر مکاسب و کتاب‌های چاپ‌نشده دیگر به یادگار مانده است. البته آنچه آیت‌الله بهجت را در میان علما، برجسته کرده بود، جامعیت او در جنبه‌های علمی، تقوا و پرهیزکاری اجتماعی و سیاسی بود.

ب) شخصیت‌های علمی

● **کوشیار گیلانی**: کوشیار گیلانی (۱۳۰۵-۳۳ ه.ق) ریاضیدان و اخترشناس برجسته گیلانی است که در دربار آل زیار در گنبد می‌زیست. سعدی شاعر شیرین‌سخن ایران در باب چهارم کتاب بوستان مراتب علمی وی را ستوده است. از کوشیار گیلانی، کتاب‌های متعددی در علم ریاضی و نجوم باقی مانده است. کتاب «اصول حساب هندی» مهم‌ترین اثر وی و نیز قدیمی‌ترین کتابی است که در بین کتاب‌های ریاضی از دوره اسلامی باقی مانده است. در زمینه نجوم نیز باید از دو کتاب ارزنده وی به نام «زیج جامع» و «زیج بالغ» یاد کرد.



شکل ۱۱-۴

● **پروفسور فضل‌الله رضا**: فضل‌الله رضا در سال ۱۲۹۳ ش. در شهر رشت دیده به جهان گشود. او پس از اخذ مدرک مهندسی برق از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل راهی ایالات متحده آمریکا شد و از دانشگاه پلی‌تکنیک نیویورک مدرک دکتری الکترونیک گرفت و سپس در دانشگاه‌های آمریکا، ایران، فرانسه و کانادا به تدریس پرداخت. شمار مقاله‌های او در مجله‌های علمی معتبر خارجی که به چاپ رسیده، بالغ بر دویست مقاله است و تاکنون بالغ بر بیست عنوان کتاب، از وی منتشر شده است. پروفسور رضا علاوه بر اشتها در علم ریاضی، در زمینه فرهنگ و ادب فارسی هم دارای تألیفاتی است. پروفسور رضا در سال‌های اخیر به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز برگزیده شد (شکل ۱۱-۴).

● **دکتر محمود بهزاد**: محمود بهزاد (۱۳۸۶-۱۲۹۲ ش.) در شهرستان رشت دیده به جهان گشود. وی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته داروسازی، هم‌زمان با تدریس به کار ترجمه و تألیف پرداخت. دکتر بهزاد را می‌توان پرکارترین نویسنده و مترجم کتب علمی در ایران دانست. تعداد تألیفات و ترجمه‌های وی به نود و هشت جلد کتاب می‌رسد. گفتنی است برخی از تألیفات وی بارها تجدید چاپ شده است. صاحب‌نظران از دکتر بهزاد به‌عنوان «پدر زیست‌شناسی نوین ایران» یاد می‌کنند.

● **دکتر مهدی تجلی‌پور**: مهدی تجلی‌پور (۱۳۶۱-۱۳۱۳ ش.) در عربان صومعه‌سرا پا به هستی گذاشت و در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه «مون پلیه» فرانسه شد. تجلی‌پور در طول حیات علمی خود توانست یازده نمونه از نرم‌تنان دریای خزر را برای نخستین بار به دنیا معرفی کند. از دکتر تجلی‌پور چندین اثر در

زمینه تحقیق و ترجمه به یادگار مانده است. کتاب «نرم تنان مرواریدساز خلیج فارس» و «تشریح و کالبدگشایی جانوران بی مهره» از مهم ترین آثار وی در زمینه تحقیق و ترجمه هستند.

● **دکتر آذر اندامی**: خانم آذر اندامی (۱۳۶۳-۱۳۰۵ ه.ش) در شهرستان رشت دیده به جهان گشود. وی پس از اخذ مدرک دکتری پزشکی در ایران و کسب مقام ریاست بخش وبا و دیفتری در انستیتوپاستور ایران، جهت کسب دانشنامه تخصصی باکتری لوژی عازم فرانسه شد. دکتر اندامی حتی در ایام بازنشستگی در سال ۱۳۵۷، ریاست آزمایشگاه بیمارستان باهر تهران را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۹۲ به پیشنهاد آژانس فضایی اروپا، برای قدردانی از خدمات این بانوی فرهیخته گیلانی، یکی از حفره های سیاره ونوس به نام وی، نام گذاری شد.



شکل ۱۲-۴

● **پروفسور مجید سمیعی**: مجید سمیعی در سال ۱۳۱۶ ش. در رشت به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۴۹ ش. موفق به اخذ دکتری تخصصی در رشته جراحی مغز و اعصاب از آلمان شده، دو سال بعد به دریافت درجه پروفسوری جراحی مغز و اعصاب نائل شد. پروفسور سمیعی از سال ۱۳۵۶ تاکنون، ریاست بیمارستان جراحی مغز و اعصاب شهر «هانوفر» آلمان، ریاست بین المللی جراحی قاعده جمجمه، ریاست انجمن جراحان پلاستیک آلمان و ... را به دست آورده است. وی همچنین نشان درجه یک خدمت از دولت آلمان را در سال ۱۳۶۷ دریافت کرد. وی در سال های اخیر جزء چهره های ماندگار در نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد (شکل ۱۲-۴).

پ) شخصیت های فرهنگی

● **بانو شمس کسمائی**: شمس کسمائی (۱۳۴۰-۱۲۶۲ ش.) یکی از زنان نام آور شعر و ادب فارسی به شمار می آید که از یک خانواده اهل کسما از مناطق شهرستان صومعه سرا بود. او به زبان های روسی و ترکی مسلط بود. از شمس کسمائی در شهربور سال ۱۲۹۹ ش. قطعه شعری در مجله «آزادستان» به چاپ رسیده که جزء نخستین نمونه های تجدد در شعر فارسی به شمار می آید. کسمائی را می توان در کنار شاعرانی چون جعفر خامنه، تقی رفعت قرارداد که قبل از نیما یوشیج، به نوآوری در سنت شعر فارسی پرداخته اند.



شکل ۱۳-۴

● **دکتر محمد معین**: محمد معین (۱۳۵۰-۱۲۹۱ ش.) در شهر رشت دیده به جهان گشود. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در رشت و دانشسرای عالی در تهران، موفق به اخذ نخستین مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تازه تأسیس تهران در سال ۱۳۱۸ ش. شد. دکتر معین به علت تألیف فرهنگ شش جلدی معین نزد همه ادب دوستان ایرانی و خارجی شناخته شده است. وی علاوه بر نگارش فرهنگ معین در زمینه های مختلف از جمله تصحیح متون، نگارش مقالات تحقیقی، ترجمه، شرکت در



همایش‌ها و جلسات علمی به تدریس در دانشگاه تهران، آلمان و ... اشتغال داشته است (شکل ۱۳-۴).

● **محمود پاینده لنگرودی** : محمود پاینده (۱۳۷۷-۱۳۱۰ ش.۰) در شهرستان لنگرود چشم به جهان گشود. از انتشار اولین اثرش به نام «گل عصیان» (مجموعه شعر فارسی) که در سال ۱۳۳۶ ش. به چاپ رسید تا زمان حیاتش، بیش از ده اثر از او انتشار یافت. زمینه‌های اصلی تحقیق وی، فرهنگ و آداب و رسوم و معرفی چهره‌های برجسته تاریخ محلی گیلان بود. یکی از مهم‌ترین آثار وی در این زمینه «فرهنگ گیل و دیلم» است.

● **کیومرث صابری فومنی** : کیومرث صابری (۱۳۸۳-۱۳۲۰ ش.۰) در صومعه سرا دیده به جهان گشود. صابری پس از اخذ مدرک کارشناسی به عنوان یک ادیب طنزپرداز فعالیت فرهنگی خود را از سال ۱۳۴۵ ش. با چاپ شعرهای



شکل ۱۴-۴

با امضای «گردن شکسته فومنی» در مجله توفیق آغاز کرد و آثار زیادی را در همان مجله با نام‌های مستعار به چاپ رساند. او پس از انقلاب اسلامی به مدت شش سال در روزنامه اطلاعات، ستونی را با نام «دو کلمه حرف حساب» به خود اختصاص داد و سپس از سال ۱۳۷۰ ش. ماهنامه «گل آقا»، سپس «مجله بچه‌های گل آقا» را به راه انداخت و همچنین، مؤسسه گل آقا را به عنوان خانه طنز ایران معرفی کرد (شکل ۱۴-۴).

ت) سرداران شهید هشت سال دفاع مقدس

● **سردار شهید حسین املاکی** : حسین املاکی (۱۳۶۷-۱۳۴۰ ش.۰) در روستای «کولاک محله» شهرستان لنگرود دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۵۸ به اخذ مدرک دیپلم نایل آمد. او پس از کسب موفقیت‌های لازم در عملیات‌های مختلف، فرماندهی گردان‌های پیاده تیپ قدس گیلان را عهده‌دار شد. املاکی پس از موفقیت در عملیات‌های کربلای ۲، ۴ و ۵ به فرماندهی تیپ یکم لشکر ۱۶ قدس گیلان رسید. وی بعد از انجام عملیات نصر ۴، به سمت قائم مقام لشکر قدس گیلان برگزیده شد. حسین املاکی پس از سال‌ها حضور در جبهه‌های نبرد، طی عملیات والفجر ۱۰ در منطقه عملیاتی سید صادق و شانه‌دری به درجه رفیع شهادت نائل آمد (شکل ۱۵-۴).



شکل ۱۵-۴

● **سردار شهید مهدی خوش سیرت** : مهدی خوش سیرت (۱۳۶۶-۱۳۳۹ ش.۰) در روستای «جورکوجان» شهرستان آستانه اشرفیه به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا پایان دوره متوسطه در زادگاهش به اتمام رساند. قبل از شهادت وی، دو تن از برادرانش به نام‌های حسین و رضا، به درجه رفیع شهادت رسیده بودند. مهدی پس از این که سیزده بار در جبهه‌های نبرد مجروح شد، و در حالی که سمت جانشین فرماندهی لشکر شانزده قدس گیلان را بر عهده داشت، در عملیات نصر ۴ در منطقه «ماووت» عراق به فیض شهادت نائل آمد (شکل ۱۶-۴).



شکل ۱۶-۴



شکل ۱۷-۴

● **سردار شهید علیرضا خلوص دهقانپور** : علیرضا خلوص دهقانپور در سال ۱۳۳۸ ش. در روستای ازگم شهرستان صومعه‌سرا دیده به جهان گشود. او پس از عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه رفت. علیرضا در طی فراگیری آموزش‌های رزمی و نبرد در جبهه‌های حق علیه باطل به علت ابراز شجاعت و دلاوری‌های قابل تحسین، نظر فرماندهان مافوق را جلب کرد و به‌عنوان فرمانده گردان میثم از لشکر قدس گیلان برگزیده شد. علیرضا پس از هشت سال حضور مستمر در میدان نبرد، سرانجام در بیست و پنجم خرداد ۱۳۶۷ در منطقه غرب کشور در قلّه «قامیش» عراق به درجه رفیع شهادت نائل آمد (شکل ۱۷-۴).

● **سردار شهید سید صادق شفیعی** : سید صادق شفیعی در سال ۱۳۳۹ در فیله شهرستان رودبار دیده به جهان گشود. او دوران کودکی و تحصیلاتش را در شهرستان‌های رودبار و تهران گذراند. سید صادق پس از تشکیل جهاد سازندگی رودبار، در سال ۱۳۶۰ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و طی دوران دفاع مقدس مسئولیت‌های خطیری چون مسئول واحد توپ ۱۰۶، مسئول محور ادوات رزمی، جانشین گردان ادوات و فرماندهی تیپ الحديد لشکر ۲۵ کربلا را عهده‌دار بود. سید صادق سرانجام، در طی بمباران هواپیماهای دشمن بعثی، در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ در «جزیره مینو» به شهادت رسید.



شکل ۱۸-۴

● **سردار شهید محمود قلی‌پور** : محمود قلی‌پور (۱۳۶۵-۱۳۳۲ ش.) در شهرستان شیراز در یک خانواده گیلانی دیده به جهان گشود. او تحصیلات خود را در دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در تهران و دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور (شهید بهشتی فعلی) شهرستان رشت به پایان رساند. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد و پس از عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به‌عنوان فرمانده پادگان المهدی چالوس به آموزش نیروهای سپاهی پرداخت. او از معدود فرماندهان گیلانی دوره دفاع مقدس است که سمت‌های مختلفی را در زمینه‌های آموزشی و فرماندهی به عهده داشته است. وی سرانجام، در عملیات کربلای ۲ در منطقه عملیاتی «حاج عمران» به فیض شهادت رسید (شکل ۱۸-۴).

● **امیر سرلشکر شهید سید موسی نامجوی** : سرلشکر سید موسی نامجوی در تاریخ بیست و ششم آذر ۱۳۱۷ در شهرستان بندر انزلی پا به هستی گذاشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی حضرت امام (ره) به عضویت شورای عالی دفاع درآمد. سرلشکر نامجوی در بیست و هفتم مرداد سال ۱۳۶۰ از سوی شهید باهنر



شکل ۱۹-۴

(نخست وزیر وقت) به سمت وزیر دفاع منصوب شد. وی پیش از این، به همت چند تن از دوستانش به ویژه شهید کلاهدوز، هسته اصلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بنیان گذاشت. سرانجام، سرلشکر نامجوی پس از پایان عملیات غرورآفرین ثامن الائمه در حال مراجعت به تهران، در منطقه کهریزک، در هفتم مهر همان سال دچار سانحه هوایی شد و به فیض شهادت نائل آمد (شکل ۱۹-۴).

● **سردار شهید حجت نظری:** حجت نظری در اول دی سال ۱۳۴۰ در شهرستان فومن متولد شد. او ضمن شرکت در عملیات‌های منطقه عملیاتی کردستان، در زمان فراغت از جبهه با تشکیل ستاد تبلیغات فرهنگی سردار جنگل در زادگاه خود در زمینه‌های فرهنگی هم به فعالیت می‌پرداخت. وی به عنوان فرمانده گروهان لشکر ۲۵ کربلا، در عملیات رمضان که در مناطق عملیاتی شلمچه و کانال ماهی صورت گرفت، فداکاری شگرفی را از خود بروز داد. او به دنبال شرکت در عملیات والفجر ۶ و عملیات آبی - خاکی هورالعظیم مجروح شد. سرانجام، پس از ۷۴ ماه حضور مداوم در جبهه به عنوان فرمانده گردان حضرت ابوالفضل (ع) از لشکر قدس گیلان، در جزیره مینو و در جریان عملیات کربلای ۵ در شانزدهم اسفند سال ۱۳۶۵ به وصال حق شتافت.

فعالیت ۲۰



مقام معظم رهبری در وصف کدام یک از سرداران شهید گیلان از واژه «قهرمان» استفاده کرده است؟ چرا؟

فکر کنید و پاسخ دهید



به نظر شما برای حفظ و ماندگاری نام افتخارآفرینان عرصه‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، انقلابی، و جهاد و شهادت چه وظایفی بر عهده ماست؟

تحقیق کنید

جدول معرفی سایر مفاخر گیلان را به کمک دبیر خود تکمیل کنید.

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	زادگاه	تحصیلات	آثار و کارهای برجسته